

# زیارت بقیع؛ مطالعه عملکرد کشور عربستان در پرتو نظام بین المللی حقوق بشر

محسن قائمی<sup>۱</sup>

## چکیده

گردشگری، بسته به مقاصد و انگیزه‌های گردشگر، اصول و انگاره‌های متفاوتی از حیث حقوقی می‌یابد. گرچه به دلیل موضوعه نبودن قواعد حقوقی زیارت، تحلیل حقوقی حقه‌ای زائران با گزاره‌هایی بیشتر دکترینال و نیز عرفی همراه است، با این وجود به نظر می‌رسد عمده قواعد حقوق بین الملل گردشگری و اقتضانات حقوق بشری آزادی بیان، مذهب و عقیده در خصوص زائران بقیع قابل اجرا باشد. بر این اساس مسئله تحقیق حاضر، نخست تبیین ماهیت منطقه بقیع در چارچوب حقوق بین الملل، و سپس بررسی تکالیف دولت عربستان و برابر آن، حق‌ها و آزادی‌های زائران با تأکید بر عملکرد عربستان است.

نگاشته پیش رو مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای، ماهیت سرزمین بقیع را از قبیل منطقه بین المللی (در صورت پیگیری) می‌داند و ضرورت برخورداری از حقوقی همچون رفتار برابر، حق کرامت، حق بروز رفتارهای تمدنی و آزادی ورود و خروج را مسلم می‌انگارد. کلیدواژه‌ها: قبرستان بقیع، زیارت، گردشگری، حقوق بین الملل، حق زائر، حقوق جمعی.

۱. استادیار مدعو دانشگاه علوم اسلامی رضوی و مدرس حوزه علمیه قم (m.ghaemi313@gmail.com)

## مقدمه

گردشگری، به عنوان گذرنامه توسعه نامیده شده است. (حیدری، ۱۳۸۹، ص ۶) با این وجود، صنعت گردشگری بدون مداخله دولت‌ها قادر به بقا نیست؛ زیرا تنها دولت‌ها هستند که توان تأمین ثبات و امنیت و مهم‌تر از همه، وضع قوانین را در ارتباط با حقوق گردشگران دارند. (بنادرویش، ۱۳۸۲، ص ۲۳) البته میزان حاکمیت دولت بر آثار گردشگری، تابعی از «ماهیت مکان گردشگری» در یافته‌های فقهی و حقوقی است که خود، به تأمین حقوق گردشگران، خصلتی از نوع فعالیت ترکیبی که مستلزم مشارکت بخش‌های مختلف و متعدد جامعه بین‌المللی است، خواهد بخشید. این نوشته فارغ از اصل و گستره صلاحیت عربستان در تنظیم گردشگری بقیع، که خود موضوعی دیگر در حوزه مسائل حقوقی گردشگری است، به مطالعه رویه گردشگری زیارتی در قبرستان بقیع در پرتو حقوق بین‌الملل گردشگری و نظام حقوق بین‌الملل بشر می‌پردازد و مسئله تحقیق خود را در همین راستا تنظیم می‌کند.

مطالعه رویه عربستان از جهاتی با رویه دیگر دولت‌ها متفاوت است؛ نخست از حیث تمایل نظم گردشگری در این سرزمین به مبانی فتوایی قانون‌گریز، و دیگری در حالی است که نگرش صرفاً اقتصادی به توسعه صنعت گردشگری و فقدان نگره‌های مذهبی و فرهنگی در برخی قطب‌های گردشگری جهان، آنان را به سمت اتخاذ موازین تعدیل‌کننده‌ای سوق داده است (جز در حالت نظم عمومی) (الوانی، ۱۳۷۳، ص ۱۱)، اما در مقابل، عربستان سیاست‌های کلامی را ملاک تحدید حقوق گردشگران و برپاسازی «نظمی متفاوت در ساحت گردشگری» قرار داده است. بنابراین مقاله توصیفی-تحلیلی حاضر، بنا بر ضرورت پیگیری حقوق زائران بقیع، بی‌آنکه پیشینه‌ای در پژوهش‌ها داشته باشد، نگاشته می‌شود. در حقیقت، زیارت بقیع و ابعاد مختلف آن - از جمله منع برخی کشورها از اعزام زائر یا تحدید

سهمیه بسیاری از کشورها در اعزام زائر به عربستان یا مسئله آزادی زائران در انجام مناسک مذهبی در سرزمین بقیع - متوقف بر پیگیری مسئله از حیث حقوقی است. همچنین نویسنده بنا بر فحوص و جست‌وجوهای بسیار، تاکنون سابقه‌ای در نوشته‌های موجود پیرامون این مسئله نیافته است. بنا بر این ضرورت و پیشینه، نوشته پیش‌رو به پاسخ این پرسش می‌پردازد: ماهیت سرزمین بقیع از حیث فقهی و حقوقی چیست و زائران بقیع از چه حقوقی برخوردار هستند؟

مقاله غیر فرضیه‌آزمای حاضر، نخست به گستره معنایی زائر و سپس به ماهیت حقوقی قبرستان بقیع و حقوق زائران از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر رویه دولت عربستان پرداخته است.

### گستره معنایی زائر و گردشگر مذهبی

گردشگری را به معنای مسافرت و طی مسافت به جایی دور از محل دائم زندگی و رفتن به جایی برای خشنودی و لذت بردن برگردانده‌اند. (محلای، ۱۳۸۸، ص ۵۳) مفهوم توریسم یا گردشگری، گرچه در آغازین کاربرد خود در سال ۱۸۱۱ میلادی، در معنای تماشای آثار تاریخی و بازدید از مناظر طبیعی برای کسب لذت به کار می‌رفت، اما پس از آن در شناخت کمیته مخصوص آمارگیری مجمع ملل در سال ۱۹۲۵ و بعد از آن، در تعریف پیشنهادی کنفرانس بین‌المللی جهانگردی (۱۹۶۳)، افرادی که برای شرکت در مراسمات مذهبی به کشورهای دیگر سفر می‌کنند، مشروط بر اینکه حداقل مدت اقامت او از ۲۴ ساعت کمتر و از سه ماه بیشتر، و کسب شغل و پیشه هم مد نظر نباشد، به عنوان گردشگر شناخته شدند. (فیض‌بخش، ۱۳۵۵، ص ۴)

این تعریف با توجه به ملاک «مقاصد و انگیزه‌های سفر»، زیارت را به معنای گردشگری مذهبی در نظر گرفته است. در این تحلیل، زیارت شکلی مدرن از گردشگری است (Graburn, 1977, p21) که شرکت‌کنندگان در آن دارای انگیزه‌های

مذهبی هستند و از مکان‌های مقدس - نظیر مقبره‌ها و امامزاده‌ها - بازدید می‌کنند. (Meyer, 2004, p42) بر این اساس حقوق زائران، نظمی مشابه گردشگری دارد. بنابراین می‌توان در نبود سازمان حامی گردشگری مذهبی، به حاکمیت اسناد و نظم حقوق بشر حاکم بر گردشگری نسبت به حقوق زائران معتقد شد.

اما در نگاه دیگر، با سرنهادن به ترادف سیاحت و گردشگری، میان زیارت و سیاحت و بالتبع نظم حقوقی حاکم بر این دو، دوگانگی وجود دارد. (نیکنام، ۱۳۹۳، ص ۴۶) لذا متناسب با چنین نگرشی، معنای اصطلاحی زائر و زیارت نیز به مطلق دیدار تعلق نمی‌یابد؛ بلکه دیدار از اماکنی مراد است که از نظر زائران دارای احترام، شرافت، برتری و خارق‌العادگی است. (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۰، ص ۵۹) بنابراین خصوصیات ماهوی و فرهنگی منحصر به زیارت، مبنای تفکیک نظم حقوقی زائر و گردشگر را فراهم ساخته است؛ از جمله:

- ارتباط معنایی گردشگری با تفنن و همراهی زیارت با نیات معنوی. (Kaszowski, 2000, p75-82)

- زیارت از دیدگاه جامعه‌شناسی، کنشی معطوف به ارزش، و هدف آن دست یافتن به رستگاری و تقرب به خداوند از راه پذیرش سختی راه و هزینه سفر (و در نبود عقلانیت ابزاری) است. (بهروان، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲) اما گردشگری، کنشی عقلانی و معطوف به هدف است و با همان نگاه عقلانی، بهترین ابزارهای رسیدن را انتخاب می‌کند.

- دال مرکزی گفتمان زیارت، ایمان، اعتقاد و باور، و دال مرکزی گفتمان گردشگری، فردباوری، سود و لذت است. بر همین اساس، مقدمه سفر و همه کردار زائر، جنبه تقدس و الوهیت به خود می‌گیرد. (Bauman, 1996, p22)

- برای زائر، نفس سفر و حرکت در مسیر مقصد اهمیت دارد؛ درحالی‌که برای گردشگر صرفاً ورود به مقصد، موضوعیت دارد.

- موضوع حائز اهمیت برای زائر این است که در اثر زیارت، تحت تأثیر قرار گیرد؛ اما

گردشگر در صدد این است که با استفاده از محیط، تجربه‌هایش افزون شود. (Han- naford, 2008, p2).

- زیارت با مناسک ویژه، اوقات خاص و نیت تقرب همراه است و در غیر این صورت، صرف گردشگری خواهد بود. (Russell, 1999, p68)

### ماهیت «قبرستان تاریخی بقیع» در حقوق بین‌الملل

از حیث تاریخی، عناوین متعددی بر سرزمین بقیع قابل تطبیق است؛ از جمله اینکه زمین موات بالاصاله بوده است که گاهی برای چرای حیوانات (مستوفی، ۱۳۶۴، ص ۱۹۰) یا قضای حاجت از آن استفاده می‌شد. (بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۵۴۶) بنا بر اسناد تاریخی، تعیین بقیع به عنوان قبرستان دفن اموات مسلمانان، با هجرت پیامبر به مدینه و گسترش این شهر و توسط پیامبر بوده است (ابن سعد، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۳۰۳)؛ چنان‌که ایشان فرمود: «من به این مکان فرمان یافته‌ام». (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۶۰۰) گرچه ماهیت عمل پیامبر و نیز گستره سرزمینی مندرج در ذیل این فرمان، امری قابل پژوهش است، ولی در تاریخ همچنان آثاری از نگاه مباحاتی به زمین موات بقیع وجود دارد؛ از جمله اینکه برخی مسلمانان در فاصله سال‌های دوم تا دهم قمری، زمین موات بقیع را احیا کردند و آنجا ساکن شدند. (کعکی، ۲۰۱۲م، ج ۱، ص ۵۴۷؛ نمیری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۸۲) اما امروزه می‌توان با توجه به ماهیت «قبرستان» این سرزمین و نیز صدق عنوان «مشاهد و حرم» بر آن، تحلیلی مؤثر بر حقوق پیشاینده مطرح کرد.

عموماً فقها مقابر را در دسته اراضی ای قرار می‌دهند که در ملک کسی نیست و برای حقوق عامه مردم، محبوس است. (حلی، بی‌تا، ص ۴۰۵). در حقیقت، نوعی اشتراکات در این سرزمین وجود دارد؛ نظیر اشتراک در آب و معدن؛ با این تفاوت که در مثل آب و معدن، اشتراک در «عین» است و هر کس می‌تواند سهمی را مالک شود، ولی اینجا اشتراک در «انتفاع» است و هر کس می‌تواند در بهره‌برداری سهم

و شریک شود. (شهید ثانی، ۱۴۳۷ق، ج ۷، ص ۱۷۰) بنابراین ماهیت این قبرستان را می‌توان از مشترکات عامه یا اموال عمومی با کاربری خدمات عمومی دانست که «جهت استفاده عموم مردم به برآورده ساختن یک هدف و کاربری مشخص اختصاص یافته‌اند». (رستمی و فراهانی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۵۶)

لذا طبق این تحلیل که قبرستان بقیع و مشاهد مشرفه، جزو مشترکات عمومی است، می‌توان به نتایج زیر در خصوص حقوق گردشگری بقیع دست یافت:

- مردم تمامی ملل و نحل اسلامی در بهره‌برداری از آن نسبت به هم برابر هستند؛ از این رو حداقل بهره‌مندی شیعیان مقیم عربستان، در قالب مشترکات عمومی، اثبات می‌شود.

- اشتراکات عامه را حکومت نمی‌تواند به اقطاع بدهد؛ یعنی امتیاز بهره‌برداری از آن را به شخص خاصی اعطا کند؛ زیرا همه افراد نسبت به آن مساوی هستند و دادن امتیاز به کسی، دیگران را از آن محروم می‌کند (فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ص ۲۳۷؛ صاحب جواهر، ۱۳۶۷، ص ۱۰۳)؛ چون خدا این مکان‌ها را به «اشتراک» گذاشته است. ابعدای از ماهیت فقهی مد نظر برای قبرستان بقیع، در برخی مناطق حقوق بین‌الملل نیز وجود دارد؛ از جمله خصایص زیر در «میراث مشترک بشریت»:

- به هیچ روی (اعم از عمومی، خصوصی، ملی و...) قابل تخصیص و تملک نیست و به لحاظ حقوقی، توسط هیچ کس مورد ادعا قرار نمی‌گیرد و تنها توسط جامعه بین‌المللی اداره می‌شود. در این صورت تمامی افراد می‌توانند از حق خود برای بهره‌برداری استفاده کنند؛ مشروط به اینکه به واسطه استفاده از حق خود، مزاحمتی برای افراد دیگر به وجود نیاید.

- همه دولت‌ها در مدیریت ناحیه بین‌المللی، سهیم و شریک هستند و دولت‌ها، به عنوان نماینده بشریت، در این فرآیند حقوقی نقش ایفا می‌کنند (اصل همکاری بین‌المللی).

- منافع اقتصادی حاصله از این مناطق نیز به صورت بین‌المللی تقسیم می‌شوند.

(Linklater, 1996, p77)

بنابراین در مقابل دیدگاه حاکمیت انحصاری دولت بر منابع موجود در سرزمین (حاکمیت سرزمینی)، می‌توان از مبنای فرااستفالیایی و تعمیم نظریه میراث مشترک بشریت بر قبرستان بقیع حمایت کرد؛ ولی مفهوم بشریت و سعه آن می‌تواند چالش فقهی تسلط کفار بر مظاهر اسلامی را به ذهن متبادر بسازد و این نظریه را به چالش بکشاند. گرچه تحقق پدیده «مناطق مشترک بین‌المللی» - که با توافق دو یا چند دولت ایجاد می‌شود - در خصوص قبرستان بقیع میسر نیست (به دلیل ذات اشتراکی این منطقه)، ولی پیگیری حقوقی قالب «منطقه بین‌المللی» در آینده توسط مسلمانان نیز - که توسط یک سازمان بین‌المللی اعلام می‌شود و معمولاً موقت است - می‌تواند تأکیدی بر زمینه اشتراکی قبرستان بقیع باشد.

انگاشت این منطقه به عنوان منطقه مشترک، و مشکلات فنی و حقوقی این نظریه، به معنای نفی حقوق جمعی و همبستگی واقع بر این منطقه نخواهد بود؛ توضیح اینکه مطابق ماده ۲ عهدنامه ۲۰۰۳ یونسکو در خصوص حراست از میراث فرهنگی غیر مادی، بناها و مقبره‌های تاریخی و اماکن مقدس از مصادیق میراث فرهنگی است.

بقیع، به عنوان یکی از اساسی‌ترین ارکان تحکیم هویت دینی، نشانگر فکر و اندیشه و باورها و اعتقادات است. در ساحت نظام حقوقی بین‌الملل، صیانت و حفاظت از میراث فرهنگی نه تنها مسئله‌ای است که به دولت محل آن میراث ارتباط می‌یابد، بلکه چنین میراثی برای تمام خلق‌های جهان از اهمیت والایی برخوردار است و مستحق حمایت بین‌المللی است. (نژندی‌منش و الیاسی، ۱۳۸۹؛ ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰ق، ص ۵۳۲) لذا خسارت به اموال فرهنگی متعلق به هر قومی، به منزله خسارت به میراث مشترک بشریت خواهد بود؛ زیرا هر قومی در ساختار

فرهنگ گیتی دخیل است. (www.unesdo.unesco.Org)

خاطرات مشترک گروهی و تعلق آن به بقیع، ماهیت حقوق در این منطقه را در زمره حقوق جمعی و همبستگی قرار می‌دهد. ویژگی اساسی این حقوق این است که صرفاً با تلاش همه عوامل اجتماعی - یعنی افراد، دولت‌ها، انجمن‌های عمومی و خصوصی و جامعه بین‌المللی - تحقق می‌یابند. (Vasak, ۱۹۷۷, p۹۸) البته این بدان معنا نخواهد بود که شرط اعمال این حقوق، لزوم توافق اراده‌های جمعی یا لزوم بهره‌مندی بالفعل مشترک باشد؛ بلکه به معنای بُعد جمعی و اجتماعی حق‌ها در این منطقه است. از نظر داینستین، هر گروهی از مردم (موضوع جمعی) برای اینکه از حقوق بشر برخوردار شوند، باید دو عنصر داشته باشند:

1. عنصر عینی: یعنی باید یک گروه قومی یا نژادی دارای تاریخ مشترک وجود داشته باشد.
2. عنصر ذهنی: یعنی وجود یک ارتباط قومی یا نژادی از نظر تاریخی به تنهایی کفایت نمی‌کند؛ بلکه لازم است که عادات و رسوم قومی یا یک حالت ذهنی در زمان حاضر وجود داشته باشد. (Dinstein, 1976, p104)

بنابراین مراد از جمعی بودن، این است که افرادی که داخل در محدوده اعتقادی دین قرار دارند، در بهره‌گیری از این منطقه، نفع مشترک دارند (حق بر منافع جمعی). بقیع، اهمیتی فرانسلی برای شیعیان دارد؛ از این رو حق بر این زمین، حق جمعی معتقدان است، نه حق افراد معتقد. حال آنکه در غیر این زمین، حق مالکیت بر زمین، معمولاً زیر عنوان حق فردی آورده می‌شود؛ چراکه در رویکرد حق به قبرستان بقیع، حق در حکم «زندگی با» است تا «تملک بر» آن.

### حقوق زائران بقیع در پرتو حقوق بین‌الملل گردشگری و عملکرد عربستان

با وجود فقدان سندی مستقل دال بر حق گردشگری، برخی از اسناد به اشعار یا به صراحت، چنین حقی را مقرر کرده‌اند؛ چنان‌که در ماده ۱۳ اعلامیه جهانی



حقوق بشر مقرر شده است: «هر کس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود بازگردد». بند الف ماده ۲۱ حقوق بشر اسلامی قاهره نیز بیان می‌دارد: «هر انسانی حق دارد که آزادانه از محلی به محل دیگر منتقل شود و محل اقامت خود را در شهرها و کشورهای اسلامی یا خارج از آنها در موقع ضرورت انتخاب کند». گرچه عربستان به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نپیوسته است، ولی دلالت‌های حقوق گردشگری در این سند (در ماده ۷ میثاق) و نیز برخی اسناد غیر الزام‌آور پشتوانه تفسیر توسعه‌گرایانه این ماده می‌تواند تردیدها در عرفی بودن این حق و الزامات آن را از بین ببرد. اعلامیه مانیل در مورد گردشگری جهانی (۱۹۸۰) نیز با تأکید بر حق گردشگری، نقش آن را در «ارتقای کیفیت زندگی» و «صلح و تفاهم بین‌المللی» مطرح می‌سازد. برابر این سند، تمهید منابع توریسم به عنوان میراث بشریت، امری است که گنجاندن آن در قوانین و مقررات، از کشورها خواسته می‌شود.

از دیگر اسناد حق گردشگری، اساسنامه سازمان گردشگری جهانی است که در آن بر تشویق و توسعه گردشگری به منظور احترام و رعایت جهانی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، بدون تبعیض از حیث نژاد، جنسیت، زبان یا دین اشاره شده است. ماده ۱۰ پیش‌نویس کنوانسیون اخلاق گردشگری و ماده ۷ کد جهانی اخلاق گردشگری نیز به حق بر گردشگری تصریح کرده‌اند. همچنین سازمان جهانی جهانگردی در مورد حق گردشگری در معنای عام آن، اطلاعیه‌ها و قطعنامه‌های متعدد دیگری نیز صادر کرده است؛ از جمله سند مانیل (۱۹۸۰)، قطعنامه اکتبر ۱۹۹۳ در بالی اندونزی و بیانیه ۲۰۰۰ صلح از طریق جهانگردی در امان (پایتخت اردن).

گرچه در این اسناد به مفهوم حقه‌ای گردشگری و نیز ماهیت آن اشاره‌ای نشده است، ولی حقوق بشر حاکم بر گردشگری، حقه‌ایی هستند که گردشگر در

هویت گردشگر و پیش از آن به مثابه موجود زیستی، از آنها برخوردار است؛ یعنی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، مفاهیم، اسناد و سازوکارها که موضوعشان حمایت از مقام و کرامت انسانی گردشگر است. (قائمی و آقای‌نژاد، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۴۰) رابطه تعلق میان این حقوق و گردشگر، یا تمتع از این حقوق نه تنها در ذات گردشگر نهفته، بلکه لازمه زیست وی به عنوان گردشگر است.

هرچند حق زیارت، فاقد «مقرره مستقل رسمی» در اسناد بین‌المللی است، ولی بررسی عملکرد کشورها - هم در زمینه ملی و هم بین‌المللی - نشان از نیاز مستمر به رسمیت شناختن زیارت به عنوان یک بخش اساسی از حق آزادی اندیشه دارد؛ برای مثال: چین، اگرچه برخی فعالیت‌های زیارتی را در قلمرو تحت کنترل خود، مجاز می‌داند و به مسلمانان چین اجازه می‌دهد که برای زیارت به عربستان بروند، اما همچنین سابقه عدم تحمل آزادی مذهب را نیز دارد.<sup>۱</sup> در پرونده‌ای نیز دادگاه عالی هند، به مصالحه میان هاریجانی‌ها (Harijans) از معابد هندو در پرونده *Devaru v. State of Mysore* حکم کرد و علیه هندوها، به جواز زیارت هاریجانی‌ها از معابد، جز در «هنگام مقدس‌ترین مراسم هندوها» حکم صادر کرد.<sup>۲</sup> البته برخی کشورها نیز گاهی سفرهای زیارتی را محدود، و حتی ممنوع می‌کنند؛ برای نمونه دادگاه‌های ایالات متحده به طور مستمر در پرونده‌های متعددی، حق زیارت را نقض کرده‌اند.<sup>۳</sup> پارلمان روسیه نیز پیش‌تر محدودیت‌هایی برای سفرهای بین‌المللی

1. See, e.g., Edward A. Gargan, Chinese Are Said to Restore Shaky Calm in Tibet, N.Y. TIMES, Feb. 4, 1988, at A15.

۲. برای مشاهده آرای قضایی مشابه در خصوص حق بقای اماکن مذهبی و ممنوعیت تخریب نمادهای دینی در هند؛ ر.ک:

Gargan, Hindu Militants, supra note 142, at A6. 47.

3. . See, e.g., Wilson v. Block, 708 F.2d 735 (D.C. Cir. 1983); Sequoyah v. Tennessee Valley Auth., 480 F. Supp. 608 (E.D. Tenn. 1979); see also Tiano v. Dillard Dep't Stores, Inc., Nos. 96-16723, 96-16955, 1998 WL 117864.

زیارتی پیشنهاد کرده بود.<sup>۱</sup>

با این حال گرچه یک رویه عمومی و منسجم در خصوص زیارت وجود ندارد، ولی از آنجایی که برای تشکیل قانون عرف، نیازی به عملکرد جهانی نیست، خصوصاً با توجه به الزام شرعی حج در جهان اسلام، می‌توان به شکل‌گیری عرف منطقه‌ای یا خاص، بر وجود حقی به نام «حق زیارت» استناد کرد. این واقعیت که سفرهای زیارتی در سراسر جهان در حال افزایش است، احتمالاً منجر به ادعاهای مکرر حقوق فردی و تعهدات مربوطه دولتی می‌شود. همچنین برخی، مذاکره کشورها بر سر میزان سهمیه اعزام به عربستان را فاقد دلالت بر اثبات حقی به نام حق زیارت یا نفی چنین حقی دانسته‌اند. (Watson, 1998, p520)

حال با وجود پذیرش حق زیارت در حقوق بین‌الملل عرفی، احتمالاً این حق، تاکنون به حد یک هنجار آمرانه (jus cogens) نرسیده است؛ چرا که دولت‌ها - به شکلی که بیان شد - و سازمان‌های بین‌المللی گاهی اوقات رفتارهایی انجام داده‌اند که گویی چنین هنجاری وجود ندارد. از همه قابل توجه‌تر، وضع محدودیت‌های شدید از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد بر لیبی و عراق است.<sup>۲</sup> این محدودیت‌ها باعث شد که بسیاری از ساکنان آن کشورها از حق زیارت محروم شوند. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز از هرگونه بررسی اعتبار این مصوبات خودداری کرده است؛ درحالی‌که این دیوان بدون شک قبلاً چنین اختیاری را در خصوص سایر مصوبات شورا اعمال کرده است. از این رو، حق زیارت، گرچه مبانی دینی روشنی دارد، ولی باید در حقوق بین‌الملل، آن را تحت قواعد حقوق بین‌الملل گردشگری

۱. ر.ک:

Proposed Law of the Russian Federation on Freedom of Conscience and Religious Belief, art. 21, reprinted in Durham et al., supra note 79, at 58-59.

2. . See Lewis, supra note 138, at Al; Plane Flies to Jeddah, supra note 138; See also: Libya, Iraq Stand Firm Against UN Sanctions, JANE'S DE. WKLY., Apr. 23, 1997, at 18, available in 1997 WL 8211622.

یا عرف منطقه‌ای یا اقتضائات حق آزادی بیان و دین به شمار آورد.

در چندین مورد، سازمان‌های سازمان ملل متحد تشخیص داده‌اند که حق آزادی اندیشه، وجدان و دین شامل حق زیارت‌های مذهبی است. اولین نمونه این شناخت، در اظهارات آرکوت کریشناسوامی<sup>۱</sup> است. وی در خصوص حق زیارت، اظهار کرد: ...حق زیارت، فقط شامل مسافرت در داخل یک کشور نمی‌شود؛ بلکه سفر زیارتی به یک کشور خارجی را نیز شامل می‌شود... ممنوعیت یا تحدید امکان ورود و ترک گردشگر مذهبی، نقض جدی حق فردی برای نشان دادن دین یا عقیده خود است.

کریشناسوامی سپس این حق را به عنوان یک قاعده اساسی، برای اطمینان از دستیابی به اهداف ذکر شده در ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر ضروری دانست. (Mason, ۱۹۹۳, p۶۳۸)

قرائن متعددی در تاریخ و سیره مبنی بر وجود این قبیل مکان‌ها به عنوان مقصد گردشگری وجود دارد. از دیدگاه دینی نیز مشروعیت حق گردشگری مذهبی در قالب زیارت ائمه بقیع، امری مستحب مؤکد در اخبار متواتر است. (حر عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۲۷۸) همچنین از دیدگاه فقها نیز به عنوان امری اجماعی، ضروری مذهب یا ضروری دین تلقی شده است. (صاحب جواهر، ۱۳۶۷، ج ۲۰، ص ۸۷؛ روحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۲۴۵)؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام به نقل از اسماعیل بن مهران فرموده است: «هرگاه یکی از شما حج بگذارد، باید حشش را به زیارت ما ختم کند؛ زیرا این از نشانه‌های تمام و کامل بودن حج است». (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۹۳) این استحباب از نظر سایر مذاهب اسلامی نیز در قالب گزارشات متعددی نقل شده است. (نووی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۷۵؛ شرنبلالی، ۱۹۴۷م، ص ۱۵۲؛ قسطلانی، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۳۱۸؛ الهروی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۶۳۱) البته ابن تیمیه -

1. Arcot Krishnaswami's Study of Discrimination.

بنا بر حدیث منقول ابوهریره<sup>۱</sup> - بر این حق (چه در قالب مباح یا مستحب) خدشه وارد کرده است؛ چرا که طبق این حدیث برای انجام کارهای عبادی فقط به سه جا می‌توان سفر کرد و زیارت ائمه بقیع داخل در این سه مورد نیست. در حالی که در این روایت مستثان<sup>۲</sup> مسجد است و مسجد موضوعیت دارد و مدار حکم قرار می‌گیرد؛ نه امکانه و مشاهده دیگر. بنابراین، محذوف و مورد نهی، مطلق مکان نیست. به هر روی چه حق زیارت را حقی مستقر در عرف منطقه‌ای بدانیم یا آنکه از اقتضائات حق آزادی بیان و اندیشه به شمار بیاوریم یا تحت عموم حقوق گردشگران قرار دهیم، در خصوص ماهیت این حق و نسبت آن با دولت (عربستان) باید چنین گفت: حق‌ها در سیاق گردشگری، هویتی از نوع حق-ادعا در تقسیم‌بندی هوفلدی حق دارند؛ چون این حق‌ها، ادعای نسبت به غیر هستند. در مقابل، وظیفه غیر در اجرای این گونه حق‌ها نمایان می‌شود؛ به عبارت دیگر لازمه حق - ادعا، وجود وظیفه‌ای در طرف مقابل است. (سیدفاطمی، ۱۳۹۳، ص ۴۲) در واقع «ب» (به عنوان دولت مقصد گردشگری: عربستان) دارای تکلیفی است به اینکه بگذارد «الف» (گردشگر- زائر) کاری را انجام دهد؛ به نحوی که «الف» ادعایی علیه «ب» (دولت عربستان) خواهد داشت که تکلیف مزبور را نقض نکند (تلازم حق یک طرف با تکلیف طرف مقابل). بنابراین چنین نیست که حقوق زائران، بدون اقتضای تکلیف برای «ب» باشد (حق-آزادی).

با این توضیحات، مصادیق متعدد حقه‌ای زائران بقیع مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

## ۱. حق بر کرامت و منزلت

حق کرامت، بی‌ارتباط با کرامت‌های خاص و فضائل روحی و معنوی که به

۱. «لا تشد الرحال الا الی ثلاثة مساجد: مسجدی هذا و مسجدالحرام و مسجدالاقصى...»؛ «بار سفر بسته نمی‌شود،

مگر به سه مسجد: مسجد من و مسجدالحرام و مسجدالاقصى...» (مسلم بن حجاج، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۱۲۶)

۲. (محذوف در این استثنای مفرغ: الی المسجد).

عده‌ای اختصاص دارد، است و به جنس بشر اختصاص یافته است. بنابراین به هیچ روی بر اساس مبانی عقیدتی یا هر اساس دیگری، قابل نقض و فروکاهش نخواهد بود. در واقع این حق به «گردشگر بما هو انسان» عنایت دارد و نه «گردشگر بما هو مؤمن» و مقید به قیود کرامت ملکوتی یا وحدانیت بر طبق مبانی وهابیت. همچنین در منظومه حقه‌ایی که برای زائران ترسیم می‌شود، کرامت جزو حقوق غیر قابل اسقاط و غیر قابل سقوط است. (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۹) منزلت زائر، در امور متعددی از زیارت بقیع می‌تواند نشان داده شود؛ از جمله ممنوعیت تکفیر زائران شیعه و سنی یا دیگر گردشگران دینی از سایر ادیان و ممنوعیت توهین و رفتار دور از شأن با زائران.

در رویه دولت عربستان، گزارشات متعددی از نقض حق کرامت زائران قابل پیگیری است؛ از جمله: پخش کتب توهین‌آمیز به زبان فارسی در مورد اهل بیت و نیز توهین به مهدویت و مراجع تقلید، یورش به درون جمعیت زنان زائر و اجبار آنان به بستن زیارتنامه‌ها، خاموش کردن تلفن‌های همراه و خروج، حمله عناصر امر به معروف سعودی به زنان زائر و کشتن چهار تن از شیعیان در فوریه سال ۲۰۰۹، توهین به زائران و متهم کردن آنان به کفر و شرک.<sup>۱</sup> نمونه دیگر این گزارشات، حمله نیروهای امنیتی به یک زائر شیعه پانزده ساله و نیز کشته شدن یک روحانی با ضربات چاقو بین ۲۰ تا ۲۴ فوریه ۲۰۰۹ است. (www.hr.com/Saudi Arabia Shia Equally, 2/9/2009)

## ۲. حق بر دریافت رفتارهای برابر و ممنوعیت رفتار تبعیض‌آمیز

گرچه شناسایی انجام زیارت در زیارتگاه‌های مذهبی به عنوان یک حق، خود برای جلوگیری از بروز تبعیض است (Mason, 1993, p12)، ولی زائر و مقصد او همچنان در معرض رفتارهای تبعیض‌آمیز قرار دارد. در این خصوص دو مطلب در

1. See: "Saudi religious police accused of beating pilgrims". Middle east Online. August 7, 2007. Archived from the original on 2007-09-28. Retrieved 2007-08-21.

رویه دولت عربستان مشهود است: مورد نخست رفتار تبعیض آمیز میان آثار باستانی و آثار تاریخی دینی، از جمله قبرستان بقیع، است. در حالی که آثار باستانی متعلق به یهود، در این سرزمین تخریب نشده و در دسترس است، ولی اثر تاریخی و زیارتی بقیع تخریب شده و در خصوص دسترسی به مکان نیز محدودیت‌هایی از جمله ساعات محدود زیارت و نیز تکالیف متعددی وجود دارد که از زائر، انتظار رعایت آنها را دارند. تبعیض در آزادی محدود در زیارت برخی قبور و ممنوعیت کامل زیارت قبور دیگر، از جمله زیارت قبر حضرت ام‌البنین علیها السلام، نیز از دیگر رفتارهای ناقض حقوق گردشگران است.

نکته دوم در مورد دسترسی زنان و زیارت زنان زائر است. ماده ۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مقرر می‌دارد: «کشورهای طرف این میثاق متعهد می‌شوند که تساوی حقوق مردان و زنان را در استفاده از کلیه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر در این میثاق تأمین نمایند». در سند سوفیای سازمان جهانی توریسم نیز (مصوب ششمین مجمع عمومی سازمان در صوفیه بلغارستان)، احترام به تساوی مرد و زن گردشگر، مورد تأکید قرار گرفته است.

مبانی حقوق بشر گردشگری، هرگونه تبعیض در دسترسی به اماکن گردشگری را به دلیل جنسیت، ممنوع اعلام کرده است. سیاق اقوال علما عدم جواز اجماعی قول غیر جایز (برای مثال، حزن و فریاد و امثال آن) یا عمل غیر جایز (نظیر تضييع حق همسر یا وجود تبرج و اظهار فواحش) در زیارت است؛ اما در صورتی که این اقوال و افعال غیر جایز در رفتار زائران زن نباشد، در این خصوص میان دانشمندان مذاهب فقهی اهل سنت، سه قول وجود دارد:

۱- اباحه زیارت زنان که مقتضای مذهب حنفی (ابن نجیم، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۱۰؛ ابن عابدین، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۲۴۲؛ شرنبلالی، ۱۴۱۱ق، ص ۵۶۸)، مالکی

(نمری، ۱۴۱۳ق، ص ۷۷؛ خطاب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۳۷)، برخی از شافعی (نوی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۸۵؛ الرملی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۷)، حنبله (خرقی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۵۲۳؛ المرادوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۶۱؛ المقدسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۹) و ظاهریه (ابن حزم، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۶۰) است.

۲- کراهت تنزیهی زیارت زنان که قول حنفی (ابن عابدین، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۲۴۲)، مالکی (النمری، ۱۴۱۳ق، ص ۸۷)، جمهور شافعی (النوی، بی‌تا، ج ۵، ص ۵۸۵؛ خطیب شربینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۷) و روایتی در حنبلی (الخرقی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۵۲۳؛ المقدسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۹؛ المرادوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۶۱) است.

۳- حرمت زیارت قبور توسط زنان که قولی شاذ در مذهب حنفی (شربلابی، ۱۴۱۱ق، ص ۵۶۸؛ ابن عابدین، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۲۴۲)، مالکی (خطاب، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۲۳۷)، شافعی و مختار ابن تیمیه (العاصمی، ۱۳۹۶، ج ۲۴، ص ۳۴۴؛ الدمشقی، بی‌تا، ص ۹۳)، ابن قیم (ابن قیم جوزیه، بی‌تا، ج ۹، ص ۵۹) و محمد بن عبدالوهاب و افراد بعد از اوست. (آل الشیخ، بی‌تا، ص ۳۴۴)

با تحلیل مبانی حق گردشگری مذهبی زنان در فقه نیز ممنوع‌انگاشتن زنان از زیارت بقیع، امری شاذ، و مقبول و هایت است. افزون بر این، استناد به کراهت یا حرمت خودانگاشت، نمی‌تواند پشتوانه‌ای برای محرومیت حق بشریت یا اقلیت‌های دینی نسبت به هویت و میراث فرهنگی متعلق به خود قرار گیرد. توجه به انگاره‌های اشتراک در حق و تکلیف در آیات قرآن - از جمله آیه شریفه ۹۷ سوره نحل که می‌فرماید: ﴿مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ - نیز تفاوت زن و مرد گردشگر در برخوردارگی از حق زیارت را منوط به وجود دلیلی راسخ - که فقدان آن ثابت شد - می‌کند. افزون بر اینها، در منابع حدیثی شیعه، بابی تحت عنوان «استحباب زیارة النساء الحسین عليها السلام و سائر الائمة عليهم السلام و لو من سفر بعید» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴،



ص ۴۳۶) وجود دارد که وفق آنها، سفر زیارتی زنان جایز، و بلکه مستحب است. همچنان‌که به نظر می‌رسد، انگاشتن حرم در قالب حقوقی «میراث مشترک انسانی» و توجه ادیان مختلف یهود، مسیحی و اسلامی به این قبرستان تاریخی - که خود ناشی از وجود مراقد بزرگان این سه دین است - اقتضائات متعددی دارد که برخی از آنها به منع رفتار تبعیض‌آمیز رهمی‌نماید؛ از جمله: غیر قابل تخصیص بودن، تقسیم منصفانه منافع، نفع بشریت، مدیریت بین‌المللی و استفاده صلح‌آمیز.

### ۳. حق دسترسی به اطلاعات

وظیفه شناساندن میراث فرهنگی واقع در قلمرو، بنا بر ماده ۴ کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی در کنوانسیون ۱۹۷۲، بر عهده دولت‌هاست. در مقابل، از حقوق گردشگران مذهبی و دینی، حق دسترسی به اطلاعات مربوط به اماکن مقدس و قبور واقع در قبرستان تاریخی بقیع و نیز اطلاعات مربوط به ابدان مدفون در آنجاست؛ خصوصاً نسبت به مزار مطهر ائمه بقیع. از ظرفیت‌های تحقق حق دسترسی به اطلاعات ضروری، مسئله «کتابت بر روی قبور» است. فتوای مشهور علمای اهل سنت این است که سیره مشرعه در شرق و غرب عالم بر این مستقر است که بر قبور آنها نوشته‌ای وجود دارد (خطاب، ۱۴۱۲ق، ۲۴۶) و این ناجی نیز جواز این اقدام را اجماعی دانسته است. (همان) در الخزانة نیز آمده است که اشکالی ندارد روی قبر، سنگی نهاده شود و چیزی بر روی آن نوشته شود (شیخی‌زاده، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸۷) تا - همان‌طور که شیخ عبدالغنی الميدانی نوشته است - اثر قبر از بین نرود و مورد اهانت واقع نشود. (المیدانی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۳۲) ابن شبه نیز از محمد بن یحیی روایت کرده است که گفت: «قبر ام سلمه در بقیع است. محمد بن زید بن علی در حالی که زمین را می‌کند، وقتی هشت ذرع پایین رفت، سنگ شکسته نوشته‌ای را یافت که بر رویش نوشته بود: ام سلمه زوج‌النبی. از همین جا فهمید قبر ام سلمه آنجاست و دوباره سنگ قبر را در همان مکان مستقر کرد». (امین، ۱۳۷۴، ص ۴۱۰)

#### ۴. حق بازتاب ذهنی مثبت از مقصد گردشگری

رضایت گردشگر، یک حق حاکم و غایی، و نیز عامل سنجش توفیق مقصد گردشگری در رعایت حقوق گردشگران است. (Song, 2012, p460) کارنامه دولت عربستان در خصوص این حق، نتیجه مثبتی ندارد؛ زیرا بازتاب ذهنی مثبت (رضایت) زائران، متأثر از احساسات و ادراک کلی آنها از یک مقصد است (Crompton, 1993, p476) و فاصله روانی ادراک‌شده‌ای توسط زائران میان آنها و مردم مقصد گردشگری (Sousa, 2011, p222) (عربستان) وجود دارد؛ به تعبیر دیگر گرچه هدف از تمامی حقه‌ای دیگر، رضایت گردشگر است، ولی عربستان نتوانسته چنین تصویری در ذهن زائران به وجود آورد. برخلاف نوشته‌های به تحریر آمده در خصوص گردشگران عربستان که بر قوانین سختگیرانه پوشش زنان تأکید کرده‌اند،<sup>۱</sup> در حقیقت پادشاهی عربستان هنوز نتوانسته است اعتماد زائران بالقوه بین‌المللی را جلب کند و برداشت آنان را از خود در مورد مسائل امنیتی، حقوق بشر و برخورد برابر یا حتی یک سیستم حقوقی سختگیر تغییر دهد. این در حالی است که توسعه گردشگری و اعمال سیاست تسهیل در خصوص زائران می‌تواند تغییر چهره این کشور به عنوان ناقض حقوق بشر در عرصه بین‌المللی را در پی داشته باشد. ولی همچنان این رویه ادامه دارد؛<sup>۲</sup> تا حدی که کمیسیون بین‌المللی آزادی مذهب ایالات متحده (USCIRF) در گزارش سال ۲۰۱۹ خود، از عربستان سعودی به عنوان یکی از بدترین ناقضان آزادی مذهبی در جهان نام برد.<sup>۳</sup>

1. See: <https://www.responsibletravel.com/holidays/saudi-arabia/travel-guide/responsible-tourism>
2. See: <https://www.thelondonglobalist.org/tourism-the-veil-for-the-worst-human-rights-records-in-the-middle-east/>
3. "USCIRF Releases 2019 Annual Report and Recommendations for World's Most Egregious Violators of Religious Freedom". USCIRF. Retrieved 29 April 2019.

در توضیح این حق باید گفت که رویکردهای متعددی در ادبیات گردشگری، در خصوص «تصویر مقصد» انجام شده است؛ مانند: رویکرد پیوستار سه بعدی (ابعاد کارکردی-روانشناختی، استثنایی بودن، کلی-جزئی بودن) و رویکرد سه خصلتی. منظور از خصوصیات کارکردی، ابعاد ملموس مقصد، و منظور از خصوصیات روانشناختی، ابعاد ناملموس مقصد در تصویر ذهنی افراد از مقصد است. ویژگی‌هایی که به مقصدی خاص اختصاص دارد و بخشی از تصویر ذهنی آن منطقه را شکل می‌دهد، بیانگر ویژگی‌های استثنایی است. همچنین ابعادی مثل خدمات ارائه شده، به جزئیات تصویر مقصد اشاره دارد و فضای مقصد یا خصوصیات فیزیکی آن بیانگر ابعاد کلی تصویر مقصد است. (An, 2010, p166)

رویکرد سه خصلتی نیز بیانگر آن است که تصویر مقصد از سه عنصر شناختی، احساسی و علی تشکیل شده است. جزء شناختی، تصویر مقصد، دانش و باورهای فرد درباره مقصدی خاص است. عنصر احساسی بیانگر احساسات نامطلوب/مطلوب یا خنثا درباره مقصدی معین است. عنصر علی نیز بیانگر عکس‌العمل‌های رفتاری فرد در رابطه با مقصد است. (Stepchenkova, 2009, p15)

رضایت زائر، به عنوان یک حق که تعهد دولت را در بر خواهد داشت، در تمامی ابعاد، در خصوص قبرستان بقیع قابل تحلیل است. نقص خدمات ارائه شده، تبعیض‌های میان زائران، توهین به اهل بیت و نبود مزارى در شأن ائمه بقیع، ممنوعیت زیارت برخی قبور، ممنوعیت تعزیه و مناسک عبادی و... تصویری نامناسب از مدیریت گردشگری بقیع را در ذهن زائر شکل می‌دهد. برخی دیگر تحلیل رضایت گردشگر را ناشی از دو دسته عوامل محرک (بُعد فیزیکی مقصد و تجربه قبلی زائر) و عوامل شخصی (خصوصیت‌های اجتماعی و روانشناختی) دانسته‌اند. (Baloglu, 1999, p878) در این زمینه نیز نقض حقه‌ای پیش‌بیند و پیش‌گفته در این نوشته، حس تعلق زائر به مقصد گردشگری و رضایت او را تحت تأثیر

قرار می‌دهد. لذا درحالی‌که ویژگی فرهنگی قبرستان بقیع می‌تواند بر شکل‌گیری احساس تعلق به مقصد گردشگری تأثیر عمده‌ای داشته باشد (Kyle, 2004, p209)، رویه موجود تأثیری واژگونه بر زائر دارد.

علی‌رغم نقض حق گردشگر، ارتباط احساسی و عاطفی قوی گردشگر با مقصد (بقیع) حفظ می‌شود؛ ولی احساس تعلق کارکردی او، ناشی از کارآمدی مقصد گردشگری و رعایت حقوق او و رضایت پیشاینده اوست.

## ۵. حق بروز ویژگی‌ها و هویت تمدنی

اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق‌ها و سایر اسناد بین‌المللی حقوق بشر، حق دسترسی به میراث فرهنگی را به عنوان مصداقی از حقوق فرهنگ دانسته‌اند. قبرستان بقیع نیز از جمله میراث دینی و هویت تمدنی است. در اسناد بین‌المللی حقوق بشری، تعریف واضحی از فرهنگ، هویت یا حق برخورداری از هویت وجود ندارد. با این وجود این اسناد در کنار عنصر «مساوات» و «عدم تبعیض»، حفظ هویت را به عنوان سنگ بنای اصلی سیستم حمایت از حقوق اقلیت‌های گردشگر مورد توجه قرار داده‌اند. گردشگران گروه‌های مذهبی باید در همه زمینه‌ها از شرایط کاملاً مساوی با دیگر ملیت‌ها و ادیان داخل کشور برخوردار باشند. دیگر آنکه می‌بایست برای اعضا، ابزار و زمینه مناسب جهت حفاظت از سنت‌ها و ویژگی‌های هویتی فراهم آید. اهمیت این حق در ابتدای کد جهانی اخلاق گردشگری چنین تأکید شده است: «ارزش‌های اخلاقی متعارف در خصوص مذاهب، باورهای فلسفی و اخلاقی و... باید شناسایی و محترم شمرده شوند». بند (F) ماده ۱۳ اعلامیه سوفیا نیز «انجام مسائل دینی و استفاده از امکانات موجود برای آن» را در زمره حقوق گردشگر اعلام کرده است. ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز بر جواز «بهره‌مندی جمعی اقلیت‌ها از فرهنگ خود» تأکید کرده است. حتی کمیته حقوق بشر در نظر تفسیری شماره ۲۳ خود پیرامون این ماده،

ضرورت اقدامات ایجابی یک دولت در راستای تحقق این حق را در برخی موارد ضروری دانسته است. همچنین اعلامیه حقوق افراد وابسته به اقلیت‌های ملی، نژادی، مذهبی و زبانی در زمینه حمایت از هویت فرهنگی اقلیت‌ها در ماده ۴ تأکید می‌کند: «دولت‌ها می‌بایست شرایط مناسبی را ایجاد نمایند تا در آن شرایط، افراد متعلق به گروه‌های اقلیت بتوانند ویژگی‌های هویتی خود را بروز دهند و فرهنگ، زبان، مذهب، سنت‌ها و رسوم خود را ارتقا دهند».

از منظر دینی نیز بروز ویژگی‌های هویت تمدنی، در زمره تعظیم شعائر قرار دارد که در آیه «وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» (حج: ۳۲) توصیه شده است. از سویی برخی از فقها با استناد به آیه «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيًا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (بقره: ۱۱۵)، شعائر الهی را به مساجد اصطلاحی محدود ندانسته و زیارتگاه را نیز داخل در آن دانسته‌اند. (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۹، ص ۱۵۷)

## ۶. آزادی ورود و خروج به مناطق گردشگری

درحالی‌که شیعیان عربستان و نیز زائران دیگر کشورها با محدودیت یا ممنوعیت غیر اعلان‌شده ورود به بقیع مواجه می‌شوند، در حقوق بین‌الملل گردشگری، آزادی ورود و خروج، مبتنی بر حق طبیعی عام در حیات اجتماعی است که نیازمند شرع و قانون نیز نخواهد بود (العبيد و عبدالله، ۱۴۲۴ق، ص ۲۲۳)؛ چنان‌که ماده هشتم کد جهانی اخلاق گردشگری مقرر می‌دارد: «گردشگران و بازدیدکنندگان باید در تمکین از قانون بین‌المللی و قانونگذاری ملی، از آزادی حرکت در داخل کشورشان و از ایالتی به ایالت دیگر بهره ببرند. البته در این نظم، آزادی رفت‌وآمد ممکن است به دلایلی چون امنیت، نظم و بهداشت عمومی به طور موقت محدود یا سلب شود (نخله، ۱۹۹۹م، ص ۱۷۵)؛ ولی اعمال محدودیت‌های زائد، دائمی و فاقد توجیه

منطقی، محمل حقوقی ندارد.

در نهایت لازم به ذکر است که در خصوص حق دادخواهی، به عنوان حقی رویه‌ای و جبرانی برای حقه‌ای مطرح شده، جز در دو کشور (تایلند و ابوظبی امارات متحده) دادگاهی به نام دادگاه گردشگری پیش‌بینی نشده است (Stapleton, 2015, 107)<sup>۱</sup>؛ از این رو در زمینه احقاق حقوق زائران در سطح بین‌المللی و نیز در عربستان، رویه قضایی قابل توجهی وجود ندارد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در توصیف و تحلیل‌های نگاشته پیش‌آیند گذشت، می‌توان راهبرد اساسی این نوشته را ضرورت پیگیری حقوقی دولت‌های مسلمان مبنی بر اعلام سرزمین بقیع به عنوان منطقه بین‌المللی دانست. این راهبرد، پیش‌تر در هویت فقهی مساجد و مشاهد نهفته هست. پس از این، ماهیت اشتراک بشریت در این منطقه نیز با وجود احتیاط، قابل دفاع است و می‌توان حقوق معتقدان به این میراث را نوعی حقوق جمعی و همبستگی دانست که تعلق خاطر جمعی و هویت ایشان به آن بسته است. وفق این ماهیت می‌توان به طراحی نظام وظایف دولت‌های مسلمانان و نیز دولت عربستان در قبال زائران پرداخت. بر این اساس گرچه مستند به آمار و گزارش‌ها نمی‌توان سابقه قابل قبولی از عربستان نسبت به رعایت حقوق گردشگران در نظر گرفت، ولی شناسایی این حقوق نیز در فقدان اسناد خاص و سازمان‌های حامی گردشگری مذهبی با اشکال مواجه نیست؛ چراکه مبانی فقهی و نیز ذات زیستی گردشگر، محملی برای شناسایی حق حیات، آزادی اظهار و انجام مناسک زیارتی، حق ابراز هویت تمدنی، حق برخورداری از رفتار برابر و حق دسترسی به اطلاعات است.

1. See also: Syndicated, Special Court to Deal with Tourist Cases Launched. Abu Dhabi World, Retrieved from last accessed 20 January, 2019. See also, Trade Arabia, "Tourist Court and Prosecution Launched in Abu Dhabi" in Trade Arabia, last accessed 20 January, 2019.

دارالفکر.

۹. ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم (۱۴۱۳ق).

**البحر الرائق**، بیروت، دارالمعرفة، چاپ سوم.

۱۰. امین، سیدمحسن (۱۳۷۴)، **کشف**

**الارتیاب**، دمشق، الاسلامیة الكبرى.

۱۱. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ق)،

**المکاسب المحرمه**، تهران، کنگره، چاپ اول.

۱۲. البعلی دمشقی، علی بن محمد (بی تا)،

**الاختیارات الفقهیة**، بیروت، دارالمعرفة، چاپ دوم.

۱۳. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۲۴ق)، **السنن**

**الكبرى**، بیروت، الکتب العلمیة، چاپ سوم.

۱۴. خطاب، محمد بن محمد (۱۴۱۲ق)،

**مواهب الجلیل**، بیروت، دارالفکر، چاپ سوم.

۱۵. حیدری، رحیم (۱۳۸۹)، **مبانی برنامه ریزی**

**صنعت گردشگری**، تهران، سمت، چاپ دوم.

۱۶. خطیب شریینی، علی محمد (۱۴۱۵ق)،

**مغنی المحتاج**، تحقیق علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.

۱۷. الرملى، محمد بن احمد (۱۴۱۴ق)، **نهاية**

**المحتاج**، بیروت، دارالکتب العلمیة،

## منابع

### قرآن

### نهج البلاغه

۱. آل الشیخ، عبدالرحمان (بی تا)، **التوحید مع شرحه فتح المجید**، مطبعة المدنی، توزیع مؤسسه قرطبة.

۲. ابن حزم، علی بن احمد، **المحلی بالآثار**، تحقیق احمد محمد شاكر، القاهرة، دار التراث، چاپ دوم.

۳. ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۸ق). **الطبقات الكبرى**، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، الکتب العلمیة.

۴. ابن شبه نمیری، عمر بن شبه (۱۴۱۰ق)، **تاریخ المدينة المنوره**، قم، دارالفکر، چاپ چهارم.

۵. ابن عابدین، محمد امین بن عمر (۱۳۹۹)، **رد المحتار**، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم.

۶. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۲ق)، **الاستیعاب**، بیروت، دارالجلیل، چاپ دوم.

۷. ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۴۰۶ق)، **المغنی**، تحقیق عبدالله ترکی، قاهره، هجر، چاپ اول.

۸. ابن قیم جوزیه، شمس الدین محمد بن ابی بکر (بی تا)، **تهذیب السنن**، بیروت،

- چاپ دوم.
۱۸. سبزواری، عبدالأعلى (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحكام، قم، دفتر آیت‌الله سبزواری، چاپ اول.
۱۹. سمهودی، علی بن عبدالله (۱۳۲۶)، وفاء الوفاء، مصر، مطبعة الادب.
۲۰. شرنبلالی، حسن بن عمار (۱۴۱۱ق). مراقی الفلاح، تحقیق عبدالجلیل العطا، بیروت، دارالنعمان للعلوم، چاپ دوم.
۲۱. \_\_\_\_\_ (۱۹۴۷م)، مراقی الفلاح، قاهره، مطبعة مصطفى البانی و اولاده، چاپ دوم.
۲۲. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴ق)، عیون اخبار الرضا، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ ششم.
۲۳. شیخی‌زاده، عبدالرحمن بن محمد (بی‌تا)، مجمع الانهر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۲۴. صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر (۱۳۶۷)، جواهر الکلام، تحقیق محمود قوچانی، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیة، چاپ سوم.
۲۵. العاصمی، عبدالرحمان بن محمد بن قاسم (۱۳۹۶). مجموع الفتاوی احمد بن تیمیة، بی‌جا، بی‌نا، چاپ دوم.
۲۶. عاملی موسوی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق)، مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام، قم، آل‌البت لا حیاء التراث، چاپ سوم.
۲۷. العیید، ناصر عبدالله (۱۴۲۴ق)، حمایة السائح بین الشریعة و النظام، الرياض، جامعه نایف العربیة للعلوم الامنیة، کلیة الدراسات العلیا، قسم العدالة الجنائیة.
۲۸. فخرالمحققین، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، ایضاح الفوائد، کوشانپور، چاپ اول.
۲۹. فیض‌بخش، هوشنگ (۱۳۵۵)، صنعت جهانگردی در ایران و جهان، تهران، مرکز عالی خدمات جهانگردی و اطلاعات، چاپ اول.
۳۰. قاری الهروی، علی بن سلطان محمد (۱۴۱۴ق)، مرقاة المفاتیح، بیروت، دارالفکر.
۳۱. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۹۳)، حقوق بشر در جهان معاصر، تهران، شهر دانش، چاپ چهارم.
۳۲. قائمی، سیدمحسن و آقای نژاد، سمیه (۱۳۹۶)، مبانی فقهی حقوقی گردشگری، تهران، خرسندی، چاپ اول.
۳۳. قسطلانی، احمد بن محمود (۱۴۲۱ق)، ارشاد الساری، بیروت، دارالفکر.
۳۴. کعکی، عبدالعزیز بن عبدالرحمان (۲۰۱۲م)، معالم المدينة المنورة، مدینه منوره، شركة سرورات للطباعة و النشر، چاپ دوم.



۳۵. محلاتی، صلاح‌الدین (۱۳۸۸)، **جستاری در هنگام فراغت، سفر و جهانگردی**، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم.
۳۶. محمد جمال، بسعی صالح (۱۳۷۷)، **اخبار مدينة الرسول، مكة المكرمة، رحلة ابن جبیر، طبعة بیروت، دار ابن جبیر المدینة المنورة**.
۳۷. المرادوری، علی بن سلیمان (بی‌تا)، **الانصاف، تحقیق محمد حامد الفقی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم**.
۳۸. مستوفی، حمدالله بن ابی‌بکر (۱۳۶۴)، **تاریخ گزیده، تحقیق عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم**.
۳۹. مسلم بن حجاج (۱۳۹۲)، **صحیح مسلم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم**.
۴۰. المقدسی، محمد بن مفلح (بی‌تا)، **الفروع، بیروت، عالم‌الکتب، چاپ چهارم**.
۴۱. الميدانی، عبدالغنی (۱۳۷۶)، **اللباب فی شرح الكتاب، بیروت، دارالكتاب العربی، چاپ اول**.
۴۲. نخله، موریس موریس (۱۹۹۹م)، **الحریات، بیروت، منشورات الحلبي القوقیه، چاپ اول**.
۴۳. نژندی‌منش، هیبت‌الله و الیاسی، زهرا (۱۳۸۹)، **حمایت از اموال فرهنگی در**
- مخاصمات مسلحانه، تهران، خرسندی، چاپ اول.
۴۴. نمری، ابی‌عمر یوسف (۱۴۱۳ق)، **الكافی، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ دوم**.
۴۵. النووی، یحیی بن شرف (بی‌تا)، **المجموع، جده، مكتبة الارشاد، چاپ دوم**.
۴۶. نووی، یحیی بن شرف (بی‌تا)، **روضة الطالبین، تحقیق عادل احمد عبدالجواد، بیروت، دارالکتب الاسلامیة، چاپ پنجم**.
- مقالات**
۴۷. الوانی، سیدمهدی (۱۳۷۳)، «سازوکارهای لازم برای توسعه پایدار جهانگردی»، خلاصه مقالات برگزیده دومین اجلاس ایرانگردی جهانگردی فرهنگ و توسعه، تهران، وزارت فرهنگ، ۲۱۱-۲۳۵.
۴۸. بنادرویش، فاطمه (۱۳۸۲)، «نقش دولت و مدیریت بخش عمومی در پیشبرد و ارتقای برنامه‌ریزی جهانگردی»، مطالعات گردشگری، شماره ۱، ص ۲-۲۸.
۴۹. بهروان، حسین (۱۳۸۰)، «جامعه‌شناسی زیارت با تأکید بر نیازهای زائران در حرم امام رضا (ع)»، مشکوة، شماره ۷۲ و ۷۳، ۱۰۲-۱۲۶.
۵۰. تقی‌زاد داوری، محمود (۱۳۸۰)، «نگاهی به جامعه‌شناسی زیارت»، معرفت، سال ششم، شماره ۴۵، ۷۸-۵۵.

51. رستمی، ولی و فراهانی، محمدصادق (۱۳۹۹)، «ماهیت حقوقی رابطه حکومت و اموال عمومی کاربری محور در فقه امامیه»، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۰، شماره ۳، ۱۰۵۵-۱۰۸۷.
52. کاظمی، علی و دیگران (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیر احساس تعلق به مقاصد گردشگری بر رضایت و وفاداری گردشگر»، مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، سال چهارم، شماره ۱۲، ۳۴-۵۲.
53. مومنی، مصطفی و صرافی، مظفر و قاسمی، محمد (۱۳۸۷)، «ساختار و کارکرد گردشگری مذهبی - فرهنگی و ضرورت مدیریت یکپارچه در کلان شهر مشهد»، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۳، ۲-۲۸.
54. نیکنام، کامبیز (۱۳۹۳)، «مقایسه دو مفهوم گردشگر و زائر»، مجله منظر، سال دوم، شماره سوم، ۳۴-۵۶.
55. یگانگی، سیدکامران و باش افشار، سحر (۲۰۱۱)، «ارائه مدل مفهومی از گردشگری مذهبی»، همایش مدیریت گردشگری و توسعه پایدار، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت، ۹۵-۱۱۲.
- منابع انگلیسی
56. An, M., Lee, Ch. and Noh, Y (2010) "Risk factors at the travel destination: Their impact on air travel satisfaction and repurchase intention", *Serv Bus*, 4, 2, pp155-166.
57. Baloglu, S. and McCleary, K.W (1999). "A model of destination image formation", *Annals of Tourism Research*, 26, 4, 868-897.
58. Bauman, Z (1996). **from Pilgrim to tourist – or a short History of identity**. In s. Hall, & P.D. Gay, *Questions of Cultural Identity*, London, Sage Publications.
59. Crompton, J. L. and Ankomah, P.K (1993). "Choice set propositions in destination decision's", *Annals of Tourism Research*, 20, pp 461-476.
60. Dinstein, Yoram (1976). "Collective Human Rights of Peoples and Minorities", *International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 25.
61. Graburn , N (1977). **Tourism : the sacred journey** , in Smith , V.(ed) , *Hosts and Guests , The Anthropology of Tourism* , Blackwell , Oxford.
62. Hannaford, J. and Newton, J (2008). "Sacrifice, Grief and the Sacred at the Contemporary Secular, Pilgrimage to Gallipoli", *Borderlands*, 7, 1, available: <http://www.borderlands.net.au>
63. Kaszowski, L (2000). "Methodology of Pilgrime-Peregrinus", *Cracoviensis*, 10, 75-82.
64. Kyle, G., Graefe, A., Manning, R.

- Tourist Satisfaction Index**”, *Annals of Tourism Research*, 39, 1, pp 421-460.
71. Sousa, C.M.P. and Lages, L.F (2011). “**The PD scale: A measure of psychic distance and its impact on international marketing strategy**”, *International Marketing Review*, 28, 2, pp 201 – 222.
72. Stapleton, John (2015). **Thailand: Deadly Destination, A Sense of Place Publishing.**
73. Stepchenkova, S. and Eales, J (2009). “**Modeling the effect of media messages on destination demand: The case of Russia**”, The 14th Annual Hospitality and Tourism Graduate Student Education and Research Conference Electronic (CD) Proceedings: Advances in Hospitality and Tourism Research, XIV. Las Vegas, NV, January 4-6.
74. Watson, G. R. (1998). “**Progress for Pilgrims? An Analysis of the Holy See-Israel Fundamental Agreement**”, 47 *Cath. U. L. Rev.* 497, Available at: <https://scholarship.law.edu/lawreview/vol47/iss2/11>.
75. General Comment 23, *Supra Note* 13, Paras 6-1, 6-2.
- and Bacon, J (2004). “**Effect of Activity Involvement and Place Attachment on Recreationists’ Perceptions of Setting Density**”, *Journal of Leisure Research*, 36, 2, 209–231.
65. Linklater, Andrew (1996). “**Citizenship and Sovereignty in the Post-Westphalian State**”, *European Journal of International Relations*, vol. 2, 19-45.
66. Machintosh, R., G., C. R. and Ritchie, R.B (1995). **Tourism Principle, Practice, Philosophies, United States of America**, John Wiley & sons, Inc.
67. Meyer. G (2004). **New Research Network for Islamic Tourism, Islamic Tourism Issue.**
68. Peter W. Mason (1993). **Pilgrimage to Religious Shrines: An Essential Element in the Human Right to Freedom of Thought**, *Conscience, and Religion*, 25 *Case W. Res. J. Int’l L.* 619 (1993) Available at: <https://scholarlycommons.law.case.edu/jil/vol25/iss3/6>
69. RUSSELL, P (1999). “**Religious Travel In the new millennium. Travel and Tourism Analyst**”, *The Economist Publications Limited*, 5, 39-68.
70. Song, H., Veen, R., Li, G. and Chen, J.L (2012). “**The Hong Kong**

76. Minority Declaration, Supra, Note 11.
77. G.A.Res . 6 th meeting (sofia), september 1985,Article 13.
78. Statute of the World Tourism Organization, 1970
79. Framework Convention on Tourism Ethics, Version: 4, 17 March 2017, available at:<http://cf.cdn.unwto.org/sites/all/files/docpdf/frameworkconventionontourismethicsv417marchilylogo.pdf> ...161.
- منابع الکترونیکی
80. <https://www.shia-news.com>.
81. <https://www.shia-news.com>
82. <https://iqna.ir>